

یادی از جهانگردان بنام خارجی

و سفرنامه‌های ایشان

تا اوایل قرن هیجدهم میلادی*

دکتر محمد غروی

نخستین مسافران خارجی که از ایران دیدار
چند نکته کردند بیشتر ناخدا، بازرگان و یا حادثه جویانی
بودند که دست تصادف به کشور ما کشانیده بود.
این اشخاص، برای سفرهایی از این قبیل، هیچ آمادگی قبلی و یا آموزش
مخصوص نیافته بودند و به علاوه کنجکاوای ایشان نیز بسیار اندک بود.
تنها به امید نفع مادی و یا کسب شهرت بود که به این راه روی می‌نهادند
و منظور اکثر آنان جستجوی بازار فروش‌های خوب و کالاهای پرفایده
بود. چون توقف ایشان در بنادر کوتاه بود فرصت کافی نداشتند که به
مردم بومی نزدیک شوند و از زندگی و آداب و رسوم ایشان مطلع گردند
و نظر به اینکه زبان محل را نمی‌دانستند، از ظاهر حرکات و رفتارهای
ساکنین، که آن هم از دور به چشم ایشان می‌خورد، قضاوت و نتیجه‌گیری
می‌کردند. سفرنامه‌های این اشخاص پراز ملاحظات ناصحیح و تعمیم‌های
عجولانه است. از سوی دیگر، موقعیت و وضع خاص هر یک در قضاوتش

* ۱- در دو شماره گذشته مأموران برجسته سیاسی و اقتصادی و مذهبی را
با گزارشهایی که به چاپ رسانیده‌اند ذکر کردیم و در مقاله حاضر از کسانی نام
می‌بریم که جهانگرد محض بوده‌اند.

۲- این مقاله تنها براساس مقالات و کتب منتشره در اروپا تنظیم یافته است.

تأثیر کلی داشت و او را از دیگران متمایز می‌ساخت. موضوع اخیر علت اساسی وجود اغلب مطالب ضد و نقیض در سفرنامه‌های پیش از قرن هفدهم میلادی می‌باشد. علاوه بر این‌ها، به نظر می‌رسد که در بیشتر موارد، نویسنده، به هنگام شرح چگونگی رهایی خویش از مخاطرات گوناگون، خود را مجبور به اختراع داستانهای می‌دید که به کارهای خیالی او جنبهٔ قهرمانی بیشتری می‌داد. به این ترتیب، در آثار اولین مسافران خارجی که به کشور ما راه یافتند مطالب درست و واقعی به ندرت می‌توان دید و تصویری که از ایران و ایرانیان به دست می‌دهند بیشتر جنبهٔ تخیلی دارد.

اما آنان که بعداً، یعنی در قرن هفدهم و به خصوص در نیمهٔ دوم آن قرن، اقدام به مسافرت به ایران کردند برای این کار آمادگی داشتند و پرورش لازم یافته بودند. از ارزش مشاهدات، ملاحظات، بررسی‌ها و گواهی‌های خود کاملاً آگاه بودند و می‌خواستند که در گزارش‌ها تا سرحد امکان از مبالغه پرهیزکنند. هدف ایشان، برخلاف گذشتگان، سرگرم ساختن خواننده نبود بلکه انتشار اطلاعاتی به منظور بالابردن سطح معلومات مردمی بود که تشنهٔ دانستن مطالب جدی در مورد شرق بودند. بیشتر به خاطر این بود که جهانگردان خارجی قرن هفدهم میلادی کنجکاو و نشان می‌دادند تا بدانند زندگی ایرانیان چگونه می‌گذرد.

به تدریج که در قرن هفدهم به جلو می‌رویم گزارش‌های جهانگردان کامل‌تر و پرازش‌تر می‌شود. در این سفرنامه‌ها نه تنها اطلاعات تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی، بررسی‌هایی در مورد دین، آداب و عادات ایرانیان موجود است بلکه معلومات دقیقی نیز دربارهٔ شکل و شمایل، آرایش

سر و ریش، طرز زندگی، غذا خوردن و یا لباس پوشیدن ایشان، همراه با تصاویری که نویسنده به منظور تأیید مطالب متن ضمیمه ساخته است، بدست می‌آید.

با وجود این، به خاطر دلایل فراوان، در سفرنامه‌های این قرن نیز ملاحظات ضدونقیض بسیار، خلاءها و یا نشانه‌های زیادی از بی‌اطلاعی نویسنده دیده می‌شود.

اکثر ایشان زبان کشور ما را نمی‌دانستند و بنابراین از عهده درک کامل شنیده‌ها و یا خوانده‌ها بر نمی‌آمدند. مدت اقامت عده‌ای از آنان کافی نبود تا معلومات صحیح و دقیقی بدست آورند. شرایط دیدار از ایران هم برای همه یکسان نبود زیرا در دوره‌های متفاوت وضع داخل کشور ما تغییر می‌یافت و مثلاً کسانی که ایران را در اواخر قرن هفدهم میلادی و اوایل قرن هیجدهم دیده بودند طبعاً نمی‌توانستند نسبت به بی‌نظمی ناشی از ضعف شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی، بی‌تفاوت بمانند و در آن مورد چیزی ننویسند. از سوی دیگر هر يك از این جهانگردان پرورش خاصی یافته بود و سلیقه شخصی و محیط رشد او موجب می‌گردید تا هر چیز را از زاویه دید مخصوص خود به‌بیند و تنها از چیزهایی صحبت کند که مورد علاقه وی بودند. فی‌المثل، آن که به بازرگانی علاقه داشت به هنر و یا ابنیه تاریخی توجهی نشان نمی‌داد و در گزارش خود از آنها یاد نمی‌کرد. کسی که اهل نظام بود تنها درباره سیاست و جنگ می‌نوشت و یا آن دیگری جز از تاریخ ایران و یا شکوه و عظمت درباریان آن سخن نمی‌گفت. فلان نویسنده که در کارهای خود توفیق یافته و یا دست تصادف برای او حوادث خوشی در ایران پیش آورده

بود نسبت به ایران و ایرانی نظر محبت آمیز می‌یافت و در سراسر نوشته‌های خود مدام به مدح و ستایش ایشان می‌پرداخت. اما فلان نویسنده دیگر که برعکس اولی در کارهایش شکست خورده و یا در ایران با رفتار خوشی که انتظار داشت برخورد نکرده بود، در کتاب خود به ایرانیان حمله می‌کرد و ایشان را ناسزا می‌گفت.

تعداد زیادی از مسافران مورد بحث که آثار جهانگردان پیش از خود را مطالعه کرده بودند، بدون ذکر مأخذ، عین مطالب و روایات آنان را در سفرنامه‌های خود نقل می‌کردند. پس از خواندن و مقابله برخی از متون، شخص نه تنها از شباهت عجیب موضوع دچار تعجب می‌شود بلکه از بکار بردن عین کلمات و اصطلاحات یکی در دیگری مات و مبهوت می‌گردد. بر اساس این نوع مطالعات مقایسه‌ای است که می‌توان یقین کرد که چندین فصل از کتاب دنباله مسافرت‌های شرق . . . نوشته Jean de Thévenot مورد استفاده Chardin در فصل «دوندگان»، مورد استفاده Tavernier در فصل «شکار» و مورد استفاده Le Père Sanson در فصول «حسادت مردان» و «دین ایرانیان» قرار گرفته است. شباهت‌هایی از این قبیل است که این گمان را در شخص ایجاد می‌کند که عده‌ای از مسافران یادداشت‌های Le Père Raphaël Du Mans را مورد مطالعه قرار داده بودند، که تاورنیه برای نوشتن فصل مربوط به زرنشتیان، «گبرها»، از کتاب Le Père Gabriel de Chinon استفاده کرده بود، که سانسون کشیش از اطلاعات موجود در سفرنامه‌های ژان دوتونو و تاورنیه بهره‌برداری کرده بود و با اینکه Cornelis de Bruin خاطرات مسافرت‌های Pietro della Valle، دوتونو، Dom Garcia de Figueroa و امثالهم

را در دسترس داشته است .

سعدی شاعر شیرین سخن ما می‌گوید : « جهان‌دیده بسیار گوید دروغ » و این در مورد تمامی جهانگردانی که از میهن ما دیدن کرده‌اند کم و بیش صادق است . عده‌ای از این جهانگردان ، شاید به طور ناخود آگاه و غیر عمد ، مطالب و وقایع استثنائی را تعمیم می‌دهند . ولتر می‌گوید : « تقریباً کلیه سفرنامه‌هایی را که دربارهٔ کشورهای دور دست به دست ما می‌رسد باید با شك و تردید خواند . يك مورد خاص اغلب به عنوان حالت کلی تلقی شده است »^۱ . دسته‌ای دیگر در مورد جنبه‌هایی از مطالب و وقایعی که خود شاهد آن بوده‌اند به اغراق‌گویی می‌پرداختند . ولتر ، در این باره ، در دو اثر خود به اسامی : *Fragments de l' Inde* و *Des mensonges imprimés* نمونه‌های بی‌شماری ارائه می‌دهد .

گروهی دیگر ، که به تبعیت از تاورینه فکر می‌کردند که در بیابانی لم یزرع وجود کاروان سرای برای استراحت کاروانیان ضروری است ، به منظور تفرج خاطر خوانندگان مطالبی از ساخته‌های تخیلات شخصی خود می‌افزودند . دسته‌ای از این‌گونه جهانگردان هدفشان این بود که ایرانیان را وحشی قلمداد کنند تا در نتیجه برتری تمدن ملت خویش را به اثبات رسانند . رافائل دومان ، تاورینه و شاردن از این مبالغه‌ها و دروغ پردازی‌ها که برجسته‌ترین جهانگردان - حتی خود این سه تن - از آن برکنار نبودند بسیار گله کرده‌اند^۲ . تاورینه می‌نویسد : « هر دسته از معرکه‌گیران ، يك گاو نر جنگی در اختیار داشتند که یکی را محمد و دیگری را علی نام بود . در اثر تصادف و یا در نتیجهٔ مهارت صاحبان این گاوهای جنگی ، پس از نبردی لجوجانه که طی آن دو حیوان مذکور

از شدت حرارت و خشم کف بردهان داشتند، محمد میدان را خالی کرد و تمام پیروزی را نصیب علی ساخت. بلافاصله در مردم نشانه هائی از شادی عمیق پیدا شد و سراسر میدان از صدای نی و سرنا پرگشت. هر کس به عنوان پرستش علی پیش آمد و همگی فریاد کشیدند: این مشیت الهی است که علی انجام می دهد»^۳. در جای دیگر، تاورنیه نقل می کند که مسلمانان «برای ناخن از قیچی استفاده نمی کنند... محمد آنرا در دین خود ممنوع کرده و مسلمانان این کار را گناه کبیره می شمارند»^۴. با اینهمه تاورنیه از کسانی است که کمتر از همگنان خود دروغ گفته و یا مبالغه کرده است. بسیاری جهانگردانی که به شرح جاهائی که ندیده اند می پردازند و یا از مطالبی که در آن باره مطلقاً چیزی نمی دانند سخن می گویند^۵.

اما با وجود آنچه گفته شد، از لابلای سفرنامه های منتشره در قرن هفدهم اطلاعات جالب و پرازش فراوان می توان بیرون کشید و مجموع معلومات صحیح موجود می توانست کلیه آنچه را که برای شناختن ایران و ایرانی لازم بود در اختیار خواننده علاقمند بگذارد. با این تفصیل، در آغاز قرن هیجدهم، ایران دیگر برای فرانسوی ها آنچنان ناشناخته نبود که کسی بتواند از خود بپرسد: «Comment peut-on être Persan؟»، «چگونه می توان ایرانی بود؟».

اولین سیاحی که از ایران یاد می کند مردی یهودی به نام Benjamin de Tudelle می باشد

چند جهانگرد و
سفرنامه های ایشان

که پس از دیدار از چند کشور دور دست خاطرات خود را در سال ۱۱۷۳

به رشتهٔ تحریر در آورد . Benito Arias Montano این یادداشت‌ها را از عبری به لاتین برگردانید و تحت عنوان :

Itinerarium ... ex hebraico latinum factum ... , Antverpiae , 1575, in 8°.

انتشار داد . ترجمهٔ فرانسهٔ این اثر در مجموعهٔ Pierre Bergeron^۶ موجود است .

مارکوپولو که سفر خود را در سال ۱۲۷۳ آغاز کرد و تقریباً بیست و پنج سال در آسیا اقامت گزید شرح مسافرت خود را به یکی از اهالی Pise ایتالیا موسوم به Rusta برگفت و شخص اخیر آنرا به فرانسهٔ کهن نوشت . در چند صفحه‌ای که نویسنده وقف « ایالت پارس » کرده است اطلاعات دقیق فراوان نیست اما مجموع معلوماتی که از کتاب به دست می‌آید جالب توجه است.^۷

Jean de Mandeville ، از استادان طب فرانسه، در سال ۱۳۳۷ سفری را به آسیا و آفریقا آغاز کرد که سی و چهار سال به طول انجامید. Bale ، جهانگرد انگلیسی ، طی سفر دراز مدت خود از ایران دیدار کرد و شرح مسافرت خویش را به زبانهای لاتین ، انگلیسی و فرانسه به رشتهٔ تحریر درآورد .

Vincent le Blanc ، از اهالی ماری، گردش دوردنیا را در ۱۵۷۰، به سن دوازده سالگی، آغاز کرد . مسافرت وی ، که طی آن از ایران نیز دیدار کرده بود ، پنجاه سال به طول انجامید . شخصی به نام Coulon یادداشت‌های وی را گرد آورد و با مشخصات زیر انتشار داد :

Les Voyages fameux du Sr . Vincent Le Blanc Marseillois qu'il a faits, depuis l'aage de douze ans jusques à soi -

xante, aux quatre parties du Monde, à scavoir: aux Indes Orientales et Occidentales, en Perse... Le tout recueilly de ses mémoires par le Sr. Coulon. Paris, J. Clousier, 1648, 3 parties en 1 vol., in 4°.

چاپهای دیگر، تغییرات زیر را در عنوان داشتند :

Edition... rédigez... par Pierre Bergeron... Paris, Clousier, 1649, in 4° .

Nouvelle éd... rédigez par Pierre Bergeron... et nouvellement reveu... par le Sr. Coulon... Paris, Clousier, 1658, in 4° .

، Henri de Feines ، Malherbe de Vitre ، از اهالی برتانی ، و

از مردم پرووانس ، نیز جزء اولین دیدارکنندگان از ایران هستند .

Pedro Teixeira ، یکی از اهالی اسپانیا ، در آغاز قرن هفدهم

به ایران سفر کرد و طی این سفر توانست به کتاب میرخواند دست یابد

و در آن با تاریخ پادشاهان ایران آشنا شود . وی در سال ۱۶۱۰ کتابی

به اسپانیایی با مشخصات زیر انتشار داد :

Relaciones de Pedro Teixeira del origen, descendencia y succession de los reyes de Persia (Siguid la cronica de Mirkond) ... Amberes, H. Verdussen, 1610, in 4° .

ترجمه فرانسسه آن به سال ۱۶۸۱ در پاریس ، به نام :

Voyages de Teixeira, ou l'Histoire des rois de Perse, traduite d'espagnol en françois (Par C. Cotelendi) ... Paris, C. Barbin, 1681, 2 Parties en 1 volume, in 12°.

منتشر شد .

دو سفرنامه دیگر را نیز که شرح مسافرت های قرن شانزدهم

می‌باشند نباید از یاد برد : یکی آنکه Gabriel Luez D'Aramon در سه جلد ، با مشخصات زیر ، در پاریس منتشر ساخت :

Voyage à Constantinople, en Perse ... dans l'année 1546... in 4° .

و دیگری سفرنامه‌ای که به قلم «نجیب‌زاده‌ای از همراهان عالی جناب شرفی» (François Cauche ، Abel Pinçon ، César Lambert ، کدامیک؟) در «گزارش‌های ... جزیره ماداگاسکار»^۸ با عنوان :
Relation d'un Voyage de Parse fait ès années 1598 et 1599 .
انتشار یافته است.^۹

Thomas Herbert انگلیسی درسالهای ۱۶۲۶ و ۱۶۲۷ از ایران دیدن کرد . ترجمه فرانسو سفرنامه وی که به دست A. de Wicquefort انجام شده بود به سال ۱۶۶۳ در پاریس با عنوان :

Relation du voyage de Perse et des Indes Orientales, traduite de l'anglois de Thomas Herbert par Mr. de Wicquefort... Paris, J. Du Puis, 1663 , in 4° .

منتشر شد .

سال بعد ، یعنی درسال ۱۶۶۴ ، مردم فرانسه شاهد انتشار سفرنامه Pietro della Valle در چهار جلد بودند.^{۱۰}

پیترودلاوال ، در سال ۱۶۱۷ ، به ایران آمد به منظور اینکه به خدمت شاه عباس درآید . وی پیش از رسیدن به ایران از خاور نزدیک و خاورمیانه دیدن کرد و در بغداد همسر گرفت . چون ، سپس ، به تناوب در شهرهای مختلف ایران اقامت گزید ، توانست ملاحظات و مشاهدات عجیب و دقیقی در موردکشور و مردم در اختیار معاصرین خود بگذارد.

گزارش سفر او در واقع مجموعه نامه‌هایی است که وی به یکی از دوستان خود، Mario Schipano از اهالی ناپل، نوشته بود و شخص اخیر است که آن نامه‌ها را به صورت سفرنامه درآورد و انتشار داد. ترجمه فرانسۀ این سفرنامه به دست دو تن فرانسوی، F. Le Comte، E. Carneau، انجام پذیرفت. از چهار جلد، تنها جلد دوم درباره ایران نوشته شده و به طور کلی به لحاظ اطلاعات دقیق و مفصلی که در مورد جنبه‌های زندگی ایرانیان در آغاز قرن هفدهم، وضع بازرگانی و صنعت و دربار و درباریان و امثال آنها در اختیار خواننده می‌گذارد اثری بسیار مفید و جالب است. اما حاشیه پردازی‌های خسته کننده‌ای که در نامه‌های وی به وفور دیده می‌شود به زیبایی سبک نگارش وی لطمه فراوان می‌زند. عشق شدیدی که به همسرش، Sitti Maani، دارد در سرتاسر نامه‌هایش به شدت به چشم می‌خورد. در مورد «صفات عالی آن بانو» که وی «داوطلبانه» طوق بردگی او را به گردن نهاده فراوان داد سخن می‌دهد^{۱۱} و حتی ذکر تمایل شدید وی به داشتن فرزند را نیز از یاد نمی‌برد^{۱۲}. درگذشت همسرش، که در ایران پیش آمد، اثری عمیق در وی داشت و قضاوت‌ها و ملاحظات او را سخت تحت تأثیر قرار داد. رفتارهای شخصی این جهانگرد نیز گاه عجیب و دور از عقل، حاکی از تکبر و خودخواهی و یا تلون مزاج به نظر می‌رسد. برای شباهت یافتن با مردم بومی، تا زمانی که میان اعراب است ریش بلند می‌گذارد و وقتی در میان ایرانیان است، به تقلید از شاه عباس، موی صورت را می‌تراشد و سبیل‌های انبوهی پشت لب نگاه می‌دارد^{۱۳}. با ترکان فقط به این سبب مخالف است که زمانی گویا خانواده همسرش را غارت کرده بودند و از همین رو است که شاه ایران را به درهم

کوفتن ترکان تشویق می‌کند. می‌خواهد بهترین راه درهم شکستن ترکان را به شاه ایران بیاموزد. خود را خیلی باهوش، بسیار باهوش تر از تمامی سران و بزرگان کشورها، می‌پندارد. گاه نیز ایرانیان را، که خود در جای دیگر «شیاطین» خوانده است، مورد مدح و ستایش قرار می‌دهد^{۱۴}. اما با وجود آنچه رفت، سفرنامه او از جمله مدارک پرارزشی است که دربارهٔ جامعهٔ ایرانی قرن هفدهم میلادی وجود دارد و راهنمای بسیاری از جهانگردانی قرار گرفته است که از ایران دیدن کردند.

Jean de Thévenot، برادرزادهٔ کتابدار پادشاه فرانسه، که به هنگام جوانی، به خصوص دربارهٔ مشرق زمین، تحصیلات خوبی کرده بود، عازم آسیا شد و از جمله در ترکیه و ایران و هند مدتی مقیم گردید. اقامت وی در ایران از سال ۱۶۶۴ تا ۱۶۶۶ به طول انجامید. این جهانگرد، به سال ۱۶۲۶، در پاریس مجموعه‌ای از چند سفرنامه تحت عنوان:

Relations de divers voyages curieux qui n'ont point esté publiées ; ou qui ont esté traduites d'Hacluyt, de Purchas et d'autres Voyageurs Anglois, Hollandois, Portugois et quelques Persans, Arabes et autres auteurs Orientaux.

انتشار داده بود.

مجموعهٔ فوق، به سال ۱۶۸۶، در چهار جلد تجدید چاپ شد. به سال ۱۶۶۴، در پاریس، کتاب:

Relation d'un voyage fait au Levant. Dans laquelle il est curieusement traité des Estats sujets du Grand-Seigneur... Et des singularitez particulieres de l'Archipel, Constantinople, Terre - Sainte, Egypte, desert d'Arabie, La Mecque... Le Bilaine, 1664, in 4°.

را انتشار داد. به سال ۱۶۶۵، از وی کتاب دیگری در پاریس با نام :
Voyage de Thévenot en Europe, Asie et Afrique.

منتشر شد. تونو، در بازگشت از ایران، به سال ۱۶۷۴، کتاب :
*Suite du voyage de Levant, dans laquelle après plusieurs
 remarques très singulières, il est traité de la Perse et d'
 autres Etats susjets du roi de Perse... Paris, C. Angot, 1674,
 in 4° .*

را منتشر ساخت. این کتاب در پاریس به سال ۱۶۸۳ و در آمستردام یکبار
 به سال ۱۷۰۵ و یکبار دیگر بین سالهای ۱۷۲۷ و ۱۷۲۹ تجدید چاپ
 شد. به سال ۱۷۲۷، کتاب :

*Voyages de Thévenot en Europe, Asie, Afrique, divisez
 en trois parties contenant 5 tomes ... où il est traité des
 Etats du Grand Seigneur, des mœurs, religions, forces,
 gouvernements de Constantinople, ... Perse ... Amsterdam,
 M. C. Lucène, 1727... in 12°.*

از وی در آمستردام به چاپ رسید.

تونو را از جمله مهمترین سیاحان قرن هفدهم می‌توان دانست.
 ملاحظات وی دقیق و اغلب اظهار نظرهای وی صحیح و بجاست. آنچه
 که در وصف اصفهان، یا در شرح معتقدات، آداب و عادات ایرانیان
 نوشته است به ندرت در دقت و صحت همتا دارد. سبک نگارش او بسیار
 مطلوب و مطبوع است. به استناد آوانگاری‌های درست برخی نام‌های
 شرقی و از روی بعضی ملاحظات و تفسیرهای لغوی و دستوری می‌توان
 گفت که تونو ترکی را می‌دانسته و فارسی را تقریباً خوب می‌فهمیده است.

سفرنامه‌های او را جهانگردان بسیاری مورد استفاده قرار دادند و خود وی نیز از تجربیات و یادداشت‌های رافائل دومان، کشیش ساکن اصفهان، نوشته برگرفته بود.

Le Sieur du Pouillet، که پس از گذشتن از آناتولی به کشور ما سفر کرده و مدتی در آن اقامت گزیده بود، به سال ۱۶۶۸، در پاریس کتاب زیر را در دو جلد انتشار داد:

Nouvelles Relations du Levant... avec un discours sur le Commerce des Anglais et des Hollandais... avec une exacte description de l'Asie Mineure, Courdistan... du Royaume de Perse... Paris, L. Billaine, 2 vol., in 12°.

حاشیه پردازی‌های بسیار و شرح و تفصیل فراوان دربارهٔ مطالب بی‌اهمیت مانع از این است که نسبت به سفرنامهٔ فوق نظر مساعدی اظهار شود.

Jans Janszoon Strauss (یا Struys) به سال ۱۶۷۰ به ایران آمد و تا ۱۶۷۲ در سرزمین ما اقامت گزید. سفرنامهٔ او که ابتدا به زبان هلندی انتشار یافته بود به سال ۱۶۸۱ در آمستردام با عنوان زیر به فرانسه منتشر شد:

Les voyages de Jean Struys en Moscovie, en Tartarie, en Perse, aux Indes et plusieurs autres païs étrangers.

Accompagnés de remarques particulières sur la qualité, la Religion, le gouvernement, les coutumes et le négoce des lieux qu'il a vus, avec quantité de figures en taille douce dessinées par lui-même... Accompagnez de remarques par Monsieur Glanius. A Amsterdam, chés la Veuve de Jacob

Van Meurs, 1681, in 8°.

نکات جالب در این اثر فراوان نیست اما تجدید چاپ‌های مکرر آن^{۱۵} نشانه اقبال فراوان مردم آن زمان از آن کتاب است .

Baron d' Aubonne, Jean-Baptiste Tavernier ، جواهر فروش فرانسوی از ۱۶۳۶ تا ۱۶۶۳ به آسیا شش بار سفر کرد . ترکیه و ایران را به خوبی شناخت و به سرزمین هند تا جزیره جاوه نیز رفت. در هر يك از مسافرت‌هایش ، مسیری تازه انتخاب کرد که در سفرنامه‌اش با دقت به شرح و تفصیل منازل مختلف آن پرداخت. شرح این خط سیرها بعداً به حال مسافران دیگر خاور زمین بسیار مفید افتاد . کتابهایی که تاورنیه انتشار داد از این قرارند :

- 1— Nouvelle Relation de l' Intérieur du Serrail du Grand Seigneur. Contenant Plusieurs singularitez qui jusqu' icy n'ont point esté mises en lumière. Par J.-B. Tavernier... A Paris... M. DC. LXXV.
- 2— Les six voyages de Jean-Baptiste Tavernier... qu'il a fait en Turquie, en Perse etaux Indes, pendant l'espace de quarante ans et par toutes les routes que l'on peut tenir, accompagnez d'observations particulières sur la qualité, la Religion, le gouvernement, les coùtumes et le commerce de chaque païs; avec les figures, les poids et la valeur de monnayas qui y ont cours. A Paris, M. DC. LXXVI et LXXXI, 2 vol. (5+3 livres) .
- 3— Recueil de Plusieurs Relations et Traitez singuliers et curieux de J. B. Tavernier... qui n' ont point esté mis dans les cinq premiers voyages. Divisé en cinq parties:

- I— Une relation du Japon, et de la cause de la persécution des chrestiens dans ses Isles: Avec les cartes du País.
- II— Relation de se (sic) qui s' est passé dans la Négociation des Députez qui ont esté en Perse et aux Indes, tant de la part du Roy, que de la Compagnie Française, pour l' établissement du commerce.
- III— Observations sur le Commerce des Indes Orientales, et sur les fraudes qui s' y peuvent commettre.
- IV— Relation Nouvelle et Singuliere du Royaume de Tonquin: Avec Plusieurs Figures et la Carte du País.
- V— Histoire de la conduite des Hollandais en Asie, A Paris... M. DC. LXXIX.

تاورنیه کنجکاوترین و در عین حال خود آگاه‌ترین دیدارکنندگان از کشور ماست. در گزارشهای وی اطلاعات گران بهائی در مورد جغرافیا، تاریخ، بازرگانی، صنعت، راهها و وسایل ارتباط، مذهب و آداب سکنه، نوع حکومت و اداره امور هر یک از کشورهای که بازدید کرده است وجود دارد. قسمت دوم تذکره او تحت عنوان «Relation de se(sic)qui...» درباره تاریخ تلاش فرانسویان در برقراری روابط بازرگانی با ایران و هند می‌باشد.^{۱۶}

خود می‌گوید: «طی مسافرت‌هایم، شدیدترین علاقه‌ام همیشه آن بوده است که واقع و اصل برجسته‌ترین مطالب را دریابم»^{۱۷}. شرح مسافرت وی با علاقه‌ای مدام خواننده می‌شود و گاهی در خلال مطالب خیلی جدی داستانها و لطیفه‌هایی برای تفریح خواننده گنجانیده شده است. برای نیل به مقصود اخیر، بعضی وقت‌ها مطالبی نیز از خود اختراع می‌کند.^{۱۸}

تاورنیه هنرشناس نیست و ادبیات کشور ما را نمی‌پسندد. از طرف دیگر، چون نسبت امور و ویژگی آداب و رسوم هر محل را در نظر نمی‌گیرد همه چیز کشورها را با معادل آن در فرانسه قیاس می‌کند. اصفهان را به داشتن کوچه‌های تنگ، خانه‌ها و دیوارهای گلی و با گنبدهای خشتی و از این قبیل ملامت می‌کند. با وجود این، هیچیک از نکات ضعف مذکور در پیش مانع تحسین اثر پر ارزش وی، که بارها در قرن هفدهم و هیجدهم تجدید چاپ گردید، نمی‌تواند شد.

Chevalier Jean Chardin، پسر یکی از جواهر فروشان بزرگ فرانسه بود که پس از صدور فرمان نانت، ناچار به انگلستان پناهنده شد و در آنجا از مراحم شارل دوم، پادشاه انگلیس، برخوردار گردید. وی در سال ۱۶۶۵ به ایران سفر کرد و بیش از ده سال در کشور ما مقیم شد و در این مدت فقط یک بار، در ۱۶۷۰، به فرانسه بازگشت.

شاردن در سال ۱۶۷۱ کتاب:

Le Couronnement de Soliman III, roi de Perse... Paris, C. Barbin,... in 8°.

را انتشار داد و در این کتاب، پیش از آنکه با زبان فارسی به خوبی آشنا گردد، به تفسیر پارهای کلمات فارسی دست زد. این موضوع Pétis de La Croix، منشی دارالترجمه پادشاه فرانسه، را برانگیخت تا پرمدعائی وی را مورد سرزنش قرار دهد و نادرست بودن برخی از تفسیر و تعبیرهای شاردن را به اثبات رساند. نامه پتی دولاکروآ در سر آغاز کتاب «دنباله مسافرت‌های مشرق زمین...» نوشته ژان دو تونو، تحت عنوان:

Sur quelques points d'éruditions orientales

به چاپ رسید .

به سال ۱۶۸۶ ، در لندن ، قسمتی از اثر بزرگ شاردن با عنوان :

Journal du Voyage du Chevalier Chardin en Perse, et aux Indes Orientales, par la Mer Noire et par la Colchide.

منتشر گردید . کتاب مذکور همان سال در آمستردام دوبار و سال بعد در لیون مجدداً به چاپ رسید و بلافاصله به زبانهای فلاماند ، انگلیسی و آلمانی ترجمه شد . اما سفرنامه کامل شاردن ، در سه جلد ، باکسر قسمت‌هایی که به علل سیاسی حذف شده بود ، به سال ۱۷۱۱ در آمستردام انتشار یافت . چاپهای مجدد آن در نیمه اول قرن ۱۸ عبارتند از: آمستردام ۱۷۱۱ (۱۰ جلد) ، پاریس و روان و آمستردام ۱۷۲۳ (۱۰ جلد) و ۱۷۳۵ (۴ جلد) که عنوان آن به قرار زیر است :

Les voyages du Chevalier Chardin en Perse, aux Indes, et autres lieux de l'Orient... Nouvelle édition, Amsterdam, aux dépens de la Compagnie (Publiée par Prosper Marchand), 1735, 4 vol. in 4° .

نسخه اخیر که عالی‌ترین و کامل‌ترین نسخه‌هاست به چهار بخش تقسیم می‌شود : بخش اول گزارش مسافرت است ، بخش دوم در توصیف شهر اصفهان ، تخت جمشید و غیره می‌باشد ، بخش سوم درباره ایران و ایرانیان بحث می‌کند و موضوع بخش چهارم دین ایرانیان است . قسمتی از بخش دوم این کتاب حاوی امثال و حکم و افسانه‌های ایرانی و حکایات سعدی است که به يك «آگهی نامه به پادشاهان برای حکومت خوب» ختم می‌شود .

روابطی که شاردن با بزرگان کشور ایران برقرار کرده بود و معاشرت او با طبقه اعیان و بسیار مرفه مانع نشد که وی طرز زندگی کلیه طبقات اجتماعی ایران را مورد بررسی دقیق قرار دهد. در پیش گفتار سفرنامه معروف خود می‌گوید: «خلاصه، برای دانستن مطالب مربوط به ایران آنچه‌مان کوشیدیم و آنقدر رنج بر خود هموار ساختم که بدون اغراق می‌توانم گفت اصفهان را، فی‌المثل، از لندن بهتر می‌شناسم و زبان فارسی را به راحتی زبان انگلیسی صحبت می‌کنم». کتب و رسالاتی که درباره ایران انتشار داده است هنوز هم به عنوان کلاسیک‌ترین مرجع برای اطلاعات مربوط به ایران قرن هفدهم مورد استفاده همگان قرار می‌گیرد. در این آثار از تمام موضوع‌هایی که برای شناختن کامل ایران آن زمان مورد نیاز است سخن رفته است. توصیف اوضاع طبیعی و جغرافیائی کشور، جانوران، گیاهان، انواع ساختمان‌ها، معماری، هنر، ادبیات و علوم، حکومت و سازمان اجتماع، معتقدات، آداب و رسوم مردم، عادات و غیره، هر یک به جای خود آمده است. ژان ژاک روسو می‌گوید: «شاردن جواهر فروش، که به سان افلاطون به سفر پرداخت، در مورد ایران دیگر جای کمترین سخن باقی نگذاشت»^{۱۹}. سفرنامه او بهتر از هر اثر دیگری روحیه، طرز فکر و ویژگی‌های رفتار و کردار ایرانیان را نشان می‌دهد. شاردن تاریخ ایران را به دقت مطالعه کرده و در صدد آن بود خلاصه‌ای «مقتبس از نویسندگان ایرانی» انتشار دهد. ضمناً نوشتن یک «جغرافیای ایران» نیز در برنامه کارش قرار داشت. شاردن نسبت به ایرانیان محبت فراوان داشت و هنر، ادبیات، علوم و فلسفه ایران را همیشه تحسین

می‌کرد. اوست که برای اولین بار به ایرانیان عنوان «فرانسویان آسیا» را داده است و این که ایرانیان وجود مذاهب دیگر را در کشور خود تحمل می‌کنند موجب گردید که وی ایشان را همه‌جا مدح کند. این جهانگرد اولین کسی است که از اختلافات موجود میان ایرانیان و فرانسویان، در کلیه زمینه‌ها، هرگز تعجبی از خود نشان نمی‌دهد و آنرا ناشی از اختلافات اقلیمی می‌داند. در کتب خود مکرر از نسبیت و ویژگی آداب و رسوم و وقایع سخن می‌گوید و نباید فراموش کنیم که این نظر نسبیت بعداً در قرن هیجدهم مورد توجه خاص فلاسفه فرانسه قرار گرفت. «... هیچیک از چیزهایی که بطور همگانی عمل می‌شود فاقد دلیل معتبر و لازم نمی‌باشد. عادات پایدار و همیشگی به هیچوجه ناشی از هوس‌های عجیب و غریب نیست»^{۲۰} در پیش گفتار سفرنامه خود می‌گوید «میان اندیشه‌ها و محل نشوونمای آنها آنقدر بستگی وجود دارد که به علت وضع (جغرافیائی و اقلیمی) ایران، به آسانی می‌توان گفت که طبع مردم آن سرزمین باید ظریف، معتدل، با مهارت و حرف شنو باشد»^{۲۱}. خطاهای شاردن محدود و همگی در مقابل اهمیت و ارزش مشاهدات دقیق و ملاحظات بجای نویسنده قابل عفو می‌باشد.

Docteur François Bernier در سال ۱۶۶۵ به آسیا مسافرت

کرد. پانزده سال در دربار اورنگ‌زیب می‌زیست و مسافرتهائی به ایران کرد که بیشتر اوقات محل اقامتش شیراز بود^{۲۲}. چون به فرانسه بازگشت درهای سالن‌های ادبی اعیان آن زمان فرانسه را به روی خود گشوده دید. دکتر برنیه که در ضمن اهل ادب و ازدوستان Racine و Molière، Boileau

بود در میان مردم همزمان خود شهرتی فراوان یافت که به حق شایسته آن بود. سخنان وی همهجا بیشتر درباره علمی بود که به نظر وی مایه عظمت و یا انحطاط فرمانروایان و مردم قاره آسیا می شد. این مطلب در آثار وی، که در زمان حیات و یا پس از مرگ وی منتشر شده اند، فراوان مورد بحث قرار گرفته است:

- 1- Voyages du Dr. François Bernier en Cachemir (1655 - 1670). Paris, aux frais du Gouvernement pour procurer du travail aux ouvriers typographes, Août 1830, 2vol., in 8°. این کتاب که مهمترین اثر دکتر برنیه می باشد پیشتر نیز، در ۱۶۹۹، ۱۷۱۰-۱۷۰۹ و ۱۷۱۴ به چاپ رسیده بود اما کاملترین نسخه ها، نسخه چاپ شده در ۱۸۳۰ می باشد.
 - 2- Abrégé de la philosophie de M. Cassendi..., J. et E. Langlois, 1674, 2 parties en 1 vol. in 12°. کتاب اخیر مکرر تجدید چاپ شد: ۱۶۷۵ (پاریس، Michallet)، ۱۶۷۸ (لیون، ۸ قسمت در ۷ جلد in 12°)، ۱۶۸۴ (لیون، ۷ قسمت در ۶ جلد).
 - 3- Abrégé de la philosophie de M. Cassendi, Seconde Partie... Paris, Michallet, 1675, in 4°.
 - 4- Doute de Mr. Bernier sur quelques-uns des principaux chapitres de son Abrégé... Paris, Michallet, 1682, in 18°.
 - 5- Histoire de la dernière révolution des Etats du Grand Mogol... Paris, C. Barbin, 1670, 2 vol, in 12°.
 - 6- Suite des mémoires du Sr. Bernier sur l'Empire du Grand Mongol... Paris, C. Barbin, 1671, in 12°.
- دکتر برنیه ادبیات و هنر ایران را مورد ستایش قرار داد و نوع

حکومت ایران را ، در مقایسه با سایر کشورهای آسیا ، ستود . این جهانگرد که ناظری نازک بین ، سیاستمدار ، فیلسوف و نویسنده بود در تغییر دادن طرز فکر فرانسویان قرن هیجدهم و ایجاد بینش فلسفی جدید تأثیر فراوان نمود و نوشته‌های وی نطفه‌هایی از افکار جدید در خود داشت .

در سال ۱۶۹۶ ، P. Godreau ، در پاریس کتابی تحت عنوان زیر

انتشار داد :

Relation de la mort de Schah Soliman, roy de Perse, et du couronnement du Sultan Ussani, son fils, ...

و شش سال بعد یادداشت‌های دیگری را تحت عنوان :

Relation d' une mission faite nouvellement par Mgr.

l' Archevesque d' Ancyre (Pierre Paul), à Ispahan... Paris, 1702 .

منتشر ساخت .

Le Sieur Paul Lucas ، عتیقه شناس مخصوص لوئی چهاردهم

که ضمناً از جانب فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا مأموریت ایجاد یک « دفتر پادشاهی عتیقه » را نیز یافته بود ، از ایران در اواخر قرن هفدهم دیدار کرد و کتابی در دو جلد تحت عنوان :

Les Voyages du Sieur Paul Lucas au Levant... Paris, 1704.

انتشار داد .

پس از پدر روحانی La Forest de Bourgon ، نویسنده سفر نامه :

Relation de Perse, où l'on voit l' état de la Religion dans la plus grande partie de l' Orient... Angers, 1717.

آخرین سیاح خارجی که پیش از مرگ لوئی چهاردهم از ایران دیدن کرد Cornelis de Bruin بود . این جهانگرد در اکتبر سال ۱۶۷۴ از

لاسه به قصد ارض اقدس سفر کرد و بیش از هیجده سال یعنی تا ماه مارس سال ۱۶۹۳ در سفر بود. مجدداً در ژوئیه سال ۱۷۰۱ به منظور دیدار از ایران و هند شرقی به مسافرت پرداخت و بالاخره ایران را در پائیز سال ۱۷۰۵ ترک گفت. سفرنامه‌اش به سال ۱۶۹۸ به زبان فلاماند انتشار یافت که اولین ترجمه فرانسۀ آن به سال ۱۷۰۰ با عنوان زیر در شهر Delft (هلند) منتشر گردید:

Voyage au Levant, c'est à dire dans les principaux endroits de l'Asie Mineure ... dans les plus considerables villes d' Egypte, de Syrie et de la Terre Sainte ... par Corneille Le Brun...

در سالهای ۱۷۱۴، ۱۷۱۸ و ۱۷۲۵ این کتاب چندبار تجدید چاپ گردید. ناشران بعدی یادداشت‌های متعدد دیگری را بر آن افزوده بودند از قبیل: «ملاحظاتى چند علیه شاردن و Kaempfer»، «راهی که آقای Isbrant، سفیر مسکو، از طریق روسیه و تاتارستان، برای رفتن به چین برگزید»، «و غیره... نوشته‌های کرنلی دو بروئن که بیشتر مورد استفاده جغرافیائی دارد همراه نقشه‌ها و تصاویری است که خود او تهیه دیده است. نظر به خلایق‌های فراوان، نشانه‌های متعدد بی‌اطلاعی، گزارش‌های ساختگی و دستبردهائی که در یادداشت‌های او از نوشته‌های J. de Thévenot، Dom Garcia، P. della Valle و جهانگردان دیگر شده است، شرح مسافرت‌های وی اثر قابل تمجید و تحسینی نیست.

یادداشت‌ها

- ۱- فصل ۶۳ از کتاب *Essai sur les mœurs* ، با حواشی و یادداشت‌های *Jacqueline Marchand* ، از سلسله انتشارات *Editions Sociales* ، پاریس ، ۱۹۶۲ .
- ۲- صفحات ۲۵۲ تا ۲۵۴ از *L'Etat de la Perse* ، مذکور در یادداشت ۸ مقاله نویسنده در شماره تابستان ۴۹ این نشریه - صفحه ۳۶۶ از کتاب چهارم جلد اول «مسافرت‌های شش‌گانه ...» تاورنیه ، مذکور در یادداشت ۳۵ مقاله موجود در شماره تابستان ۴۹ این نشریه- صفحات ۲۹۴ و ۳۰۲ از کتاب «تاجگذاری سلیمان سوم ...» شاردن ، مذکور در یادداشت ۱۵ مقاله نویسنده در شماره پائیز و زمستان ۴۹ این نشریه .
- ۳- صفحه ۶۴ از کتاب اول جلد اول «مسافرت‌های شش‌گانه ...» تاورنیه.
- ۴- صفحه ۱۱۹ از کتاب «*Nouvelle Relation de l'Intérieur du...*» نوشته تاورنیه ، پاریس ۱۶۷۵ .
- ۵- در صفحه ۱۲۰ از جلد چهارم کرنلی دو بروئن می‌خوانیم که کاخ چهل ستون اصفهان دارای چهل ستون است که بیست‌تای آنها «از چوب ، منقش و مطلا هستند». در صفحه ۱۳۷ همان جلد می‌گوید که شهادت امام سوم شیعیان در سال ۱۰۲۴ ، هنگامی که پیغمبر مکه را به قصد مدینه ترک می‌فرمود تا در آنجا رحل اقامت افکند، اتفاق افتاده است .
- ۶- یادداشت‌های مورد بحث در کتاب دیگری نیز که به سال ۱۸۳۰ در پاریس «به هزینه دولت» تحت عنوان: «مسافرت‌های بنژامن دو تودل به گردجهان...» انتشار یافت وجود دارد . کتاب اخیر حاوی سفرنامه‌های دیگری از قرون وسطی نیز می‌باشد .
- ۷- کتاب مارکو پولو در آغاز نام معینی نداشت و هرناسخی به میل خود برای آن عنوانی می‌گزید و به این طریق ، به ترتیب :
Le Livre des Merveilles du Monde و *Le Devisement du Monde*
 و بالاخره *Le Livre de Marco Polo et des Merveilles de l'Asie*
 نام گرفت . سفرنامه مارکو پولو را در مجموعه پیر برژرون نیز می‌توان یافت. نسخ

مورد استفاده برای این مقاله عبارتند از متن موجود در کتاب پیربرژرون (چاپ ۱۷۳۵) ، نسخه Firmin Didot (چاپ ۱۸۶۵) در دو جلد in 4° و نسخه A. T'Serstevens (۱۹۶۰) در سلسله کتابهای جیبی .

۸- مشخصات این مجموعه در یادداشت ۱۹ مقاله نویسنده در شماره تابستان ۴۹ این نشریه آمده است .

۹- برای کسب اطلاعات دقیق در مورد مسافرت‌های خارجیان پیش از قرن هفدهم به ایران ، به مجموعه‌های پیربرژرون و Jean de Laet مراجعه فرمایند. در مجموعه اخیر- که مشخصات آن طی یادداشت ۸ مقاله نویسنده در شماره تابستان ۴۹ این نشریه ذکر شده است - اطلاعات فراوانی در مورد اولین مسافرتها و نیز خط سیرهای مسافران وجود دارد . ژان دولانه در جلد اول کتابش ، از روی نقشه ، به شرح ولایات ایران می‌پردازد و معلوماتی درباره آب و هوا ، محصولات کشاورزی ، آداب و عادات ، نهادهای جامعه ، مذهب ، نوع حکومت و غیره به دست می‌دهد. خط سیرهای Barbaro ، Contarini ، Robert Steel ، Teixeira ، Jenkinson ، و چند جهانگرد دیگر در جلد دوم این مجموعه قرار دارد .

۱۰- عنوان و سایر مشخصات این سفرنامه در یادداشت ۱۸ مقاله نویسنده در شماره پاییز و زمستان ۴۹ نشریه حاضر موجود است .

۱۱- صفحه ۸۳ از قسمت دوم جلد دوم سفرنامه این جهانگرد .

۱۲- صفحات ۲۱۲ و ۲۱۳ از مأخذ فوق .

۱۳- در سال ۱۶۲۱ ، تصویری از خود برای دوستش فرستاد که در آن تصویر با سیل‌های کلفت دیده می‌شود .

۱۴- صفحه ۹۳ از قسمت دوم جلد اول سفرنامه این جهانگرد .

۱۵- آمستردام ۱۶۸۱ ، لیون ۱۶۸۲ ، آمستردام ۱۷۱۸ تا ۱۷۲۰ و Rouen ۱۷۲۴ .

۱۶- در فصول مربوط به ایران ، مراسم مذهبی آرامه و معتقدات گبرها ، تاورنیه از خاطرات و تجربیات دو روحانی مبلغ مقیم ایران ، گابریل دوشینون و رافائل دومان ، استفاده فراوان برده و روحانی اخیر الذکر را همه جا با تحسین و احترام یاد کرده است .

۱۷- صفحه دوم از نامه‌ای که خطاب به پادشاه فرانسه ، در آغاز کتاب «مسافرت‌های شش‌گانه...» به امضای تاورنیه انتشار یافته است .

۱۸- به داستان‌های «نبردگاوهای جنگی» و «حرمت استعمال قیچی» قبلاً اشاره کردیم . در صفحه ۱۶ از بخش دوم « Recueil ... » می‌گوید که میان شاه ایران و پدر روحانی رافائل دومان «صحبت به ویژه در مورد رنگ‌های سیاه و سفید

و زیبایی زنان فرانسوی در گرفت . . . پدر روحانی به وی گفت ... که در ایران ابروی پرپشت را می‌پسندند (حال آنکه) چنین ابروانی در فرانسه مورد پسند نیست» و در جای دیگر ، صفحه ۱۴۸ از جلد اول «مسافرت‌های شش‌گانه...» ، گفتن این مطلب را به خود نسبت می‌دهد و می‌نویسد : « به شاه گفتم که در قلمرو او ابروی پرپشت بسیار مطلوب است و (حال آنکه) در فرانسه قضیه درست برعکس می‌باشد» .
۱۹- یادداشت شماره ۱۰ ژان ژاک روسو در کتاب :

Discours sur l' origine et les fondements de l' inégalité parmi les hommes. Amsterdam, Marc Michel Rey, 1762, in 12° .

۲۰- صفحه ۶۹ از جلد سوم «مسافرت‌های شوالیه شاردن ...» .

۲۱- و نیز مراجعه شود به صفحات : ۵۵ ، ۶۹ ، ۷۳ ، ۲۵۶ ، ۳۴۲ ،

۴۱۴ ، ۴۱۵ و ... از مأخذ مذکور در شماره پیش .

۲۲- در کتاب «Suite des mémoires...» ، نوشته دکتر برنیه، دو نامه

این جهانگرد که از شیراز به فرانسه فرستاده است با عناوین زیر چاپ شده است :

Lettre à M. Chapelain, envoyée de Chiras, le 4 octobre 1661, touchant...

Lettre envoyée de Chiras en Perse, le 10 juin 1668, à Mr. Chapelle...